

تأثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی: شواهدی از هموارسازی سود

نیلوفر اسکندری^۱، نجمه کارگر کامور^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

^۲ استادیار گروه حسابداری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی: شواهدی از هموارسازی سود در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای این منظور و در ابتدا به بررسی رابطه بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود شرکت‌ها پرداخته شد و سپس تأثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها در گروه پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار دارد. همچنین، به منظور انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده شد که با توجه به شروط در نظر گرفته شده، در نهایت ۱۲۲ شرکت در دوره زمانی ۷ ساله بین سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی فرضیه‌ها از روش‌های مربوط به رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم‌افزار Eviewse ورژن ۸ و با استفاده از روش پانل بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهند که بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: چسبندگی هزینه، گزارشگری مالی، هموارسازی سود

۱- مقدمه

رفتار سنتی هزینه تمام هزینه‌ها را به عنوان ثابت یا متغیر با توجه به فروش همزمان یا برخی محرک‌های هزینه دیگر شناسایی می‌کند. با این حال، در واقعیت، رابطه بین هزینه و محرک هزینه پیچیده‌تر است، به این دلیل که برخی از هزینه‌ها با افزایش فعالیت بیشتر افزایش می‌یابند تا با کاهش متناسب در سطوح فعالیت، پدیده‌ای که به "چسبندگی هزینه" معروف است. به عنوان مثال، اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که هزینه‌های فروش، عمومی و اداری به ازای هر یک درصد افزایش در فروش، ۵۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. با این حال، هزینه‌های عمومی و اداری در ازای هر یک درصد کاهش در فروش، ۳۵ درصد کاهش می‌یابد (هارتلیب^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). نظریه تعدیل منابع بر این مفهوم استوار است که بسیاری از هزینه‌ها از تصمیمات عمدی تعهد منابع توسط مدیران ناشی می‌شود. پس از تعهد، کاهش منابع بدون متحمل شدن برخی هزینه‌های تعدیل آسان نیست: به عنوان «فداکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، قراردادی یا هزینه‌های روانی، که در طول تعدیل منابع پدید می‌آیند، بسیاری از مطالعات دانشگاهی شواهدی از چسبندگی هزینه‌ها را مستند کرده‌اند. برخی از عوامل تعیین کننده چسبندگی در سطح شرکت عبارتند از تغییر فعالیت قبلی انگیزه‌های مدیریتی، سرمایه‌سازمانی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت (حبیب و حسن^۲، ۲۰۱۹). همه این مطالعات در مورد محرک‌های رفتار هزینه نامتقارن مبتنی بر سه نظریه است، یعنی نظریه تعدیل منابع، نظریه انتظارات مدیریتی و نظریه نمایندگی (کاستا و حبیب^۳، ۲۰۲۰).

اختیارات مدیریتی و انگیزه‌های زیربنایی آن یک حوزه پر بار تحقیق در مدیریت و حسابداری مالی است. مطالعه ما دو جریان مطالعاتی را ترکیب می‌کند که اساساً مبتنی بر رفتار مدیریتی هستند، اما تاکنون مستقل از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند: رفتار نامتقارن هزینه و هموارسازی سود. رفتار نامتقارن هزینه که به آن چسبندگی هزینه نیز گفته می‌شود، یک ویژگی مستند از هزینه‌های شرکتی بر اساس تصمیم‌های تعدیل منابع مدیریتی است. به‌طور مشخص، به‌نظر می‌رسد هزینه‌ها در پاسخ به کاهش فعالیت شرکت کمتر از رشد آن برای افزایش معادل کاهش می‌یابد. از یک طرف، رفتار نامتقارن هزینه ممکن است به این دلیل ایجاد شود که مدیران تصمیمات مبادله‌ای منطقی اقتصادی می‌گیرند و هزینه‌های تعدیل را با هزینه‌های نگهداری منابع مقایسه می‌کنند (قدرتی و همکاران، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، هم چنین قابل قبول است که مدیران فرصت‌طلب به طور احتیاطی از کاهش هزینه‌ها در دوره‌های رکود به نفع خود خودداری کنند. از آن جایی که هزینه‌ها جزء اساسی سود حسابداری هستند، تصمیمات گزارشگری مالی نیز پتانسیل تأثیرگذاری بر رفتار هزینه را دارند و بالعکس. از این رو، مطالعات پیشین نشان می‌دهند که انگیزه‌های کوتاه‌مدت مدیریتی برای افزایش سود گزارش شده، مانند اجتناب از ضرر یا دست‌یابی به اهداف سود تحلیل‌گر، انگیزه‌های رفتار نامتقارن هزینه را سرکوب می‌کند (یعنی گاهی اوقات مدیران تمایل بیشتری به کاهش هزینه‌ها به منظور افزایش کوتاه‌مدت دارند. با تمرکز بر هموارسازی درآمد، که جامع‌ترین و بلندمدت‌ترین شکل مدیریت سود حسابداری را تشکیل می‌دهد که از فعالیت‌های متوالی مدیریت سود به سمت بالا و پایین تشکیل می‌شود. در همین رابطه هارتلیب و لوی^۴ (۲۰۲۲) استدلال کردند که به جای درک تغییرات در رفتار هزینه‌ها به‌عنوان یک پیامد صرف انگیزه‌های حسابداری مالی، استراتژی‌های تعدیل منابع ممکن است بر تصمیمات و استراتژی‌های گزارشگری مالی بلندمدت نیز تأثیر بگذارد (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۲).

¹ Hartlieb

² Habib & Hasan

³ Costa & Habib

⁴ Ratlib and Levy

ادبیات موجود در مورد چسبندگی هزینه بیشتر بر وجود و عوامل مؤثر بر آن تمرکز دارد و مقالات نسبتاً کمی پیامدهای اقتصادی چسبندگی هزینه را مطالعه می‌کنند. علاوه بر این، آنها بیشتر بر تأثیر چسبندگی هزینه بر پیش بینی سود، استحکام سود، مدیریت سود، پیش بینی درآمد تحلیل گر، پیش بینی سود تحلیل گران، هموارسازی درآمد و ارزش ادغام و تملک شرکت‌ها تمرکز می‌کنند، اما بر رابطه بین چسبندگی هزینه و تصمیمات مالی شرکت کمتر تمرکز داشته‌اند (جیان^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). نتیجه مطالعه لین و همکاران (۲۰۲۲) در بازار سرمایه کشور چین نشان می‌دهد که چسبندگی هزینه‌ها تأثیر نامطلوبی بر پرداخت سود نقدی شرکت دارد. بنابراین، شرکت‌هایی که چسبندگی هزینه‌های بالاتری دارند، احتمالاً سطح پایین‌تری از پرداخت سود نقدی را انتخاب می‌کنند. مشکل نمایندگی بین سهامداران و مدیران باعث می‌شود که منافع آنها ناسازگار باشد و مدیران انگیزه حفظ منابع داخلی شرکت‌ها را برای بهره‌مندی از منافع خصوصی خود دارند. رفتار امپراتوری مدیران منجر به چسبندگی هزینه بیشتر و سطح پایین‌تر پرداخت سود نقدی می‌شود. در همین ارتباط، هارتلیب و لوی (۲۰۲۲) متوجه شدند که چسبندگی هزینه‌ها تنها برای شرکت‌هایی با هزینه‌های تعدیل بالا و در زمان‌های رشد اقتصادی بالا، تأثیر منفی قابل‌توجهی بر هموارسازی درآمد دارد، که هر دو محرک‌های شناخته شده برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی برای چسبیدن به منابع بلااستفاده هستند. نتایج آنها هم چنین نشان داد که فقط مدیران توانا می‌توانند هر دو استراتژی را به طور همزمان مدیریت کنند. علاوه بر این، ما الگوی معقولی را نشان می‌دهیم که برای شرکت‌های درگیری با نمایندگی بالا (کم)، هموارسازی گنج‌کننده (اطلاعاتی) نقش غالب را برای رابطه منفی بازی می‌کند (جیان و همکاران، ۲۰۲۳).

بنابراین، مسئله اصلی در تحقیق حاضر «تأثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی: شواهدی از هموارسازی سود» می‌باشد.

۲- ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- ادبیات نظری چسبندگی هزینه

هزینه از دیدگاهی گسترده تر شامل تمام اقلام بهای تمام شده است که قابل کسر از درآمد فروش می‌باشد. از سویی هزینه عبارتند از کاهش ناخالص داراییها یا افزایش ناخالص بدهیها که بر اساس اصل پذیرفته شده حسابداری، اندازه گیری شدند و حاصل فعالیت‌های انتفاعی موسسه می‌باشند. هزینه‌ها عبارتند از خروج یا مصرف دارایی‌های واحد انتفاعی یا ایجاد بدهی‌ها (یا ترکیبی از هر دو) طی یک دوره مالی که از تحویل یا تولید کالا، ارائه خدمات سایر فعالیت‌های اصلی و مستمر آن ناشی می‌شود (نعمت الهی، ۱۳۹۹).

فعالیت‌های مدیریت، متمرکز بر طرح ریزی و کنترل است. طرح ریزی شامل تعیین اهداف و نحوه دستیابی به اهداف است و کنترل شامل عاملی برای اطمینان از تحقق این اهداف است. برای انجام این مسئولیت‌ها، مدیران به اطلاعاتی درباره موسسه نیاز دارند. از دیدگاه حسابداری، این اطلاعات اغلب مربوط به هزینه‌های موسسه است. در حسابداری مدیریت واژه هزینه‌ها به انواع گوناگونی به کار می‌رود و این هزینه‌ها با توجه به نیازهای اطلاعاتی مدیریت به روشهای مختلفی طبقه بندی می‌شوند (جیان و همکاران، ۲۰۲۳). مدیران برای تهیه گزارشهای مالی برون سازمانی، طرح ریزی بودجه و تصمیم گیری به اطلاعاتی درباره هزینه‌ها نیاز دارند و هر استفاده متفاوت از این اطلاعات، طبقه بندی و تعریف متفاوت هزینه‌ها را می‌طلبد. برای مثال، تهیه گزارش‌های مالی برای افراد برون سازمانی، نیازمند استفاده از بهای تمام شده تاریخی است در حالیکه لازمه تصمیم گیری، پیش بینی هزینه‌های آتی است. هزینه‌ها در همه انواع موسسات اعم از تجاری، تولیدی، خرده فروشی و خدماتی وجود

¹ Jian

دارند اما بطور کلی، انواع هزینه‌هایی که انجام می‌شود و شیوه طبقه‌بندی آنها به نوع موسسه بستگی دارد البته باید توجه داشت فعالیت‌های موسسات تولیدی، گسترده از انواع دیگر موسسات است. این فعالیت‌ها شامل خرید مواد خام، تولید کالا، بازاریابی، توزیع و صدور صورتحساب است (گاریسون و همکاران^۱، ۲۰۱۹).

ساختار هزینه‌ها در سالهای اخیر دچار تغییرات مهمی شده است. در سالهای نخست قرن بیستم که بسیاری از کسب و کارها اقدام به راه اندازی سیستم‌های هزینه یابی کردند، مواد مستقیم، بخش بزرگی از کل هزینه‌های تولیدی را تشکیل می‌داد. علاوه بر این هزینه‌های دستمزد مستقیم نیز از اهمیت بالایی برخوردار بود. در نتیجه سیستم‌های حسابداری صنعتی بیشتر بر اندازه گیری و کنترل مواد و دستمزد مستقیم متمرکز بودند و این هدف را به گونه‌ای مطلوب انجام می‌دادند. هزینه‌های ثابت، بخش کوچکی از هزینه‌های تولید را تشکیل می‌داد و معمولاً در یک مخزن هزینه انباشته شده و بر مبنای معیارهایی، مانند ساعات کار نیروی کار و ماشین آلات به محصولات تخصیص می‌یافت (بخشی نژاد و کریمی، ۱۴۰۱).

برنامه ریزی سود، تدوین خط مشی‌ها و اتخاذ تصمیمات لازم، مستلزم آن است که مدیریت سازمان روابط بین بهای تمام شده، حجم فعالیت و سود را بداند. همچنین جهت مقاصد مدیریتی باید مشخص گردد که با تغییر در حجم فعالیت، چه اقلامی از هزینه تغییر می‌کند و شدت تغییر به چه میزان می‌باشد؛ و در مقابل کدام اقلام تغییر نمی‌کنند (اسکندری، ۱۳۹۶). پژوهش‌های تجربی اخیر درباره رفتار هزینه نشان داده، میزان کاهش هزینه‌ها به هنگام کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها به هنگام همان میزان افزایش فروش است (نمازی و دوانی پور، ۱۳۹۹؛ بالاکریشنان^۲، ۲۰۱۸). به این رفتار هزینه‌ها چسبندگی هزینه گفته می‌شود.

بنابر عقیده اندرسون و همکاران (۲۰۱۷)، دلایل زیادی برای چسبندگی هزینه وجود دارد. برخی از این دلایل عبارتند از بی میلی طبیعی برای اخراج کارمندان هنگام کاهش حجم، هزینه‌های بنگاه و نیاز به زمان برای تأیید کاهش حجم فعالیت، تصمیمات مدیریتی برای حفظ منابع مورد استفاده که می‌تواند در نتیجه ملاحظات شخصی با شد و منجر به هزینه برای بنگاه شود. هزینه‌های بنگاه توسط خود بنگاه بوجود می‌آید چرا که ممکن است مدیران تصمیماتی بگیرند که نه در جهت حداکثر کردن منافع آنها باشد و نه ایجاد ارزش برای سهامداران شرکت (اندرسون و همکاران^۳، ۲۰۱۹).

آگاهی از رفتار هزینه برای حسابداران، پژوهشگران و تمامی کسانی که با حوزه مدیریت در ارتباطند و تغییرات در هزینه‌ها را برحسب تغییر در درآمدها ارزیابی می‌کنند، دارای اهمیت بسیار است. استنباط مدیریت از این تحلیل این است که چسبندگی هزینه‌ها قابل تشخیص و کنترل است. مدیران باید دلیل خود را برای چسبندگی هزینه از طریق توجه به حساسیت تغییرات هزینه به نسبت کاهش حجم، ارزیابی کنند و ظرفیت واکنش شرکت را در برابر کاهش تقاضا برای کالاها یا خدمات افزایش دهند. این امر به بهبود فرایند پاسخگویی سازمان کمک شایانی می‌نماید. با مشخص بودن رفتار هزینه، صاحبان شرکت می‌توانند تحلیل کنند که آیا مدیران به بنگاه اقتصادی هزینه تحمیل می‌نمایند یا خیر (شیرواژن و فاضل دهکردی، ۱۴۰۰).

درک رفتار هزینه برای استفاده کنندگان بیرونی (به عنوان مثال تحلیل گران مالی) که می‌توانند عملکرد شرکت را ارزیابی کنند نیز مناسب است. فرایند معمول مورد استفاده تحلیل گران مالی شامل مقایسه اجزاء هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به عنوان درصدی از درآمدهای خالص فروش شرکت‌ها با یک شرکت در زمان‌های متفاوت است. این تحلیل ممکن است نادرست

¹ Garrison & noreen

² Balakrishnan

³ Anderson et all

با شد اگر که رفتار هزینه در ارتباط با کاهش یا افزایش درآمدها مدنظر قرار نگیرد. این تحلیل اصلاح می‌شود تا تحلیل گر چگونگی تغییر هزینه‌ها برحسب درآمدها را درک کنند (نخعی و پیراسته، ۱۴۰۰).

۲-۲- ادبیات نظری کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت گزارشگری مالی به محدوده ای اشاره دارد که در آن گزارش‌های مالی شرکت، وضعیت اقتصادی و عملکرد آن را در طی یک دوره زمانی اندازه گیری و به صورت صادقانه ارائه می‌کند. گرچه در ادبیات مربوط به کیفیت گزارشگری مالی و به ویژه کیفیت سود با تاکید بر اصول حاکم بر گزارشگری مالی بطور ضمنی بر کیفیت صورت‌های مالی تمرکز شده است، اما بحث جامع در خصوص کیفیت گزارشگری مالی باید فراتر از کیفیت صورت‌های مالی باشد زیرا شرکت‌ها اطلاعات مالی خود را می‌توانند با استفاده از روش‌های دیگر نیز منتشر نمایند. از سوی دیگر گزارشگری مالی فقط یک محصول نهایی نیست بلکه فرایندی متشکل از چندین جزء می‌باشد که کیفیت گزارشگری مالی در نهایت بستگی به کیفیت هر بخش از فرایند گزارشگری مالی دارد (یوسران^۱، ۲۰۲۳).

فرانسیس و همکاران کیفیت را به عنوان یک ویژگی اطلاعاتی به صورت منفک-موازی سایر ویژگی‌های اطلاعات معرفی می‌نمایند. درحالیکه چنین تعبیری از کیفیت در حسابداری غیرمتعارف است. چراکه به عنوان مثال در چارچوب نظری حسابداری، کیفیت به عنوان یک ویژگی اطلاعاتی منفک- موازی سایر ویژگی‌های اطلاعاتی مد نظر نبوده و به ویژه هدف استانداردگذاران از تدوین ویژگی‌های کیفی از قبیل ارایه صادقانه یا مربوط بودن، ارایه اطلاعات با کیفیت می‌باشد. به بیان دیگر، اطلاعات با کیفیت بالا، هدفی است که گزارشگری مالی، با قراردادن ویژگی‌های کیفی مختلف در کنار یکدیگر دنبال می‌کند و حتی هیئت‌های تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری کیفیت را به عنوان یک ویژگی موازی سایر ویژگی‌های کیفی، به چارچوب مفهومی اضافه ننموده اند (رید^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

بسیاری از معیارهای کیفیت این قابلیت را دارند که با توجیهات مختلف در انواع تحقیقات دارای سوال‌های تحقیق متفاوت، به کار روند. همچنین این توجیهات عموماً مانع از بکارگیری سایر معیارها در تحقیق نمی‌باشد. لذا از این منظر، ایده پیش‌گفته چندان راه‌گشا نیست. در عمل نیز شواهد تجربی حاکی از عدم اثربخشی و عدم کاربرد این ایده می‌باشد. اغلب پژوهش‌ها بیان و تحلیل چرایی انتخاب یک یا چند معیار از بین معیارهای مختلف، صرفاً با تمسک به عدم وجود توافق عام در خصوص معیارهای کیفیت، از معیارهای عمومی رایج استفاده می‌کنند. به علاوه رویکرد غالب در بین تحقیقات آن است که به جای توجیه دقیق انتخاب خود، از چند معیار استفاده می‌نمایند. یا روش تحلیل حساسیت (فرانسیس و وانگ^۳، ۲۰۱۷) را به کار می‌بندند و یا چند معیار را با استفاده از دهک‌بندی یا تحلیل مسیر (بارس^۴ و همکاران، ۲۰۱۷) در یک شاخص تجمیع می‌نمایند. حتی تحقیقاتی که دلایل انتخاب معیارهای خود را بیان می‌کنند، تمایلی به بیان چرایی عدم شمول سایر معیارهای ممکن در تحقیق ندارند. حتی برای آنالیز حساسیت نیز عموماً دلایل انتخاب معیارهای جایگزین خاص بیان نمی‌شود (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۲).

¹ Yusran

² Reid

³ Francis & Wang

⁴ Bares

دیچاو و همکاران (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که چنانچه مفهوم کیفیت، واحد باشد و معیارها فراخور خود تا حدی از صحت، آن مفهوم واحد را اندازه‌گیری نمایند، انتظار خواهیم داشت که عوامل کیفیت و پیامدهای کیفیت یکسانی را برای همه معیارها مشاهده نماییم در حالی که مقایسه مقالات، حاکی از عدم وجود عوامل و کیفیت‌های یکسان برای همه معیارها می‌باشد و در نتیجه معیارها سازه‌های مختلفی را اندازه‌گیری می‌کنند (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۲).

امروزه برای بسیاری از کشورها کارا بودن بازار از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا آثار نهایی کارایی بازار تعیین عادلانه قیمت اوراق بهادار و در نتیجه تخصیص مطلوب و بهینه سرمایه خواهد بود. اغلب از سرمایه‌گذاران و سهامداران اقلیت به عنوان کانون توجه در نظام گزارشگری مالی نام برده می‌شود. این تاکید از آنجا ناشی می‌شود که توسعه اقتصادی^۱ مستلزم گسترش فرهنگ جدید و نظام یافته سهامداری و سرمایه‌گذاری است که ابزار اجرایی آن عموماً بازارهای بورس اوراق بهادار است. بررسی ادبیات مالی و حسابداری نشان می‌دهد که موضوع افشای اطلاعات مالی در بازارهای سرمایه^۲ همواره به عنوان یکی از مباحث اساسی و در عین حال پیچیده مطرح بوده است. با ظهور فرضیه بازار کارا بیش از هر چیز توجه محافل دانشگاهی و حرفه‌ای به این نکته جلب شد که در دسترس بودن اطلاعات کافی در بازار و انعکاس به موقع و سریع اطلاعات بر روی قیمت اوراق بهادار ارتباط تنگاتنگی با کارایی بازار دارد (طالبی اتویی، ۱۴۰۱).

۳-۲- ادبیات نظری هموارسازی سود

فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف روش استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می‌توان از روش‌های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می‌باشد. این انعطاف پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف پذیر است، یکپارچگی داده‌های ارائه شده در صورت‌های مالی کمتر می‌شود. اصول تطابق و محافظه کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود. بنابراین گتسچو^۱ (۲۰۱۵)، شرکت کارباید^۲، سود سه ماهه نخست سال مالی خود را بدون اضافه نمودن به موجودی نقد و تنها با استفاده از روش تعهدی حسابداری استهلاک، معافیت‌های مالیاتی سرمایه‌گذاری‌ها و به حساب دارایی بودن بهره، افزایش داد. مدیران شرکت تأکید کرده‌اند که این کار برای ارائه‌ی صورت‌های مالی واقعی‌تر و قابل مقایسه کردن صورت‌های مالی شرکت، با سایر شرکت‌های در صنعت مشابه، صورت گرفته است. تحلیل گران مالی و حسابرسان از این پدیده به عنوان «ترفند حسابداری» نام می‌برند. این در حالی است که تمامی این اقدامات در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری صورت گرفته است (نوروش و دیگران، ۱۳۹۴).

مدیران شرکت‌ها تلاش می‌کنند از طریق مدیریت سود، رشد سودآوری شرکت را به گونه‌ای نشان دهند که باعث افزایش سطح بازده مورد انتظارشان می‌شود. مدیریت بیشتر به صورت فرصت طلبانه بر سود خالص مدیریت می‌کنند و به این منظور از روش‌های متعددی استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها، نحوه برخورد مدیریت با حسابداری معاملات به صورت دلخواه است. اقداماتی نظیر زمانبندی ثبت فروش، کاهش ارزش موجودی‌ها و تجهیزات، تعمیر و پیاده‌سازی تجهیزات و... به اختیار مدیریت انجام می‌شود و مشاهده‌کننده برون‌سازمانی به فوریت نمی‌تواند کشف کند که کدام یک از این اقدامات اختیاری با قصد مدیریت سود صورت گرفته است (خدانشناس و خدانشناس، ۱۴۰۰).

¹- Getschow.

²- Carbide

انتخاب و تغییر اصول پذیرفته شده حسابداری اجازه می‌دهد، بسیاری از معاملات با یک یا چند روش مختلف ثبت شود. به عنوان مثال از بین روش‌های اولین صادره از اولین صادره از آخرین وارده و میانگین موزون برای حسابداری موجودی‌ها، روش استهلاک خط مستقیم ونزولی برای دارائی‌های ثابت روش هزینه‌یابی کامل و کوشش‌های موفقیت آمیز برای هزینه‌های استخراج نفت و گاز، روش کار تکمیل شده و درصد پیشرفت کار برای قراردادهای بلندمدت، می‌توان یکی از روش‌های فوق را انتخاب کرد و بعداً آن را تغییر داد (گرامی و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی دیگر از روش‌های مدیریت سود دستکاری ارقام تعهدی می‌باشد، زیرا ارقام تعهدی از انعطاف بیشتری برخوردار هستند. برآوردهایی همچون عمر مفید دارایی ثابت، قابلیت وصول مطالبات، نرخ تنزیل تعهدات بازنشستگی، تأمین ذخیره برای تأدیه طلب غیر قابل وصول و به تأخیر انداختن ثبت دارائی‌های حذف شده و برآورد سایر ارقام تعهدی پایان سال که سود گزارش شده را تعدیل می‌کنند (قدرتی و همکاران، ۱۴۰۱).

همچنین مدیران با دستکاری فعالیت‌های غیرپولی در طی سال سعی می‌کنند که سود قطعی با سود هدف مطابقت داشته باشد بیشتر پژوهش‌های جاری مدیریت سود بر کشف ارقام تعهدی غیرعادی متمرکز است. به طور کلی چهار روش اصلی برای مدیریت سود است که عبارتند از: (مهرآذین، ۱۳۹۵).

- اندوخته ارزیابی یا ذخیره ارزیابی
- انتخاب روش‌های حسابداری
- برآوردهای حسابداری
- تصمیمات اقتصادی

در مورد تمامی روش‌های مدیریت سود مطرح شده، این فرض وجود دارد که کمیته حسابرسی شرکت از کلیه تصمیماتی که توسط مدیریت اتخاذ می‌گردد و این تصمیمات اساساً منجر به ارائه صورت‌های مالی گمراه کننده نیست، آگاه است. متأسفانه در بعضی موارد ممکن است مدیریت از روش‌های مدیریت سود هم فراتر رود و به سادگی درآمدهایی را شناسایی کند که واقعی نیستند. بدین ترتیب هر گاه مدیریت واحد انتفاعی به طور آگاهانه گزارش‌های مالی اساسی عرضه کند که اهداف آن گمراه کردن استفاده کنندگان باشد، این عمل تقلب حسابداری خوانده می‌شود. بدین منظور، برای کاهش تقلب حسابداری مدیران واحدهای انتفاعی موظفند صورت‌های مالی اساسی را امضاء نموده (تأییدیه مدیریت)، تا دقیق بودن ارقام صورت‌های مالی واحدهای تجاری را تصدیق نمایند (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۲).

هموارسازی سود اقدام آگاهانه‌ای است که مدیران به منظور کاهش نوسانات دوره‌ای سود در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری آن دست می‌زنند. هموارسازی سود هدف مشخصی دارد و آن ایجاد جریان با ثباتی از رشد سود است (هارتلیب و همکاران، ۲۰۲۲).

هموارسازی سود می‌تواند نتیجه هموارسازی طبیعی^{۵۱} یا عمدی^{۶۲} باشد هموارسازی طبیعی بیانگر این است که فرآیند سود به طور ذاتی تولیدکننده جریان هموار شدن سود باشد و از اقدام‌ها و تصمیم‌های مدیریت ناشی نمی‌شود. هموارسازی عمدی به اعمال اقدام‌های مدیریت نسبت داده می‌شود. به عبارت دیگر هموارسازی عمدی نتیجه اقدام‌هایی که توسط مدیریت انجام

¹- Natural

²- intentional

می‌شود. هموارسازی تعمدی به دو دسته هموارسازی واقعی و هموارسازی ساختگی^{۷۱} تقسیم می‌شود (گرامی و همکاران، ۱۴۰۱).

هموارسازی واقعی می‌تواند روی جریان نقدی تأثیر گذارد. اگر تقاضا برای محصول افزایش یابد نتیجه افزایش در فروش و به دنبال آن افزایش در سود است. این نشان دهنده کنترل وقایع اقتصادی واقعی است که به طور مستقیم روی سود آتی تأثیر می‌گذارد، به همین جهت هموارسازی واقعی نامیده می‌شود. هموارسازی ساختگی بیان‌گر دستکاری حسابداری است که توسط مدیریت برای هموارسازی سود انجام می‌شود. این دستکاری حاصل وقایع اقتصادی نبوده و روی جریان نقدی نیز تأثیر نمی‌گذارد، اما هزینه‌ها و یا درآمدها را از یک دوره به دوره دیگر انتقال می‌دهد (گرامی و همکاران، ۱۴۰۱).

در هموارسازی ساختگی از اعمال حسابداری اختیاری برای کاهش تغییرات روند سود گزارش شده استفاده می‌شود بدون اینکه تأثیری در ماهیت واقعی فرآیند تولید گذارده شود. اعمال اختیاری حسابداری آنهایی هستند که سازمان، متعهد به انجام عملی ویژه نمی‌باشد و کاربرد آنها براساس قضاوت حرفه‌ای است، بنابراین باید قابلیت کنترل اعمالی مثل به تعویق انداختن، حذف کردن یا تسریع نتایج داد و ستد را داشته باشد در نمودار زیر انواع هموارسازی ترسیم شده است (گرامی و همکاران، ۱۴۰۱).

۴-۲- پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقات داخلی که نزدیک به عنوان تحقیق حاضر انجام شده می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود: قدرتی زوارم و همکاران (۱۴۰۱)، در تحقیقی به بررسی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه پرداختند. نتایج نشان داد که ساختار مالکیت باعث کاهش چسبندگی هزینه می‌گردد؛ گرچه به عنوان یک عاملی قوی برای کاهش هموارسازی سود نیست. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین هموارسازی سود و چسبندگی هزینه رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

بخشی نژاد و کریمی (۱۴۰۱)، به بررسی نقش تعدیل‌گری چسبندگی هزینه‌ها در تأثیر مدیریت سود واقعی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که مدیریت سود واقعی بر عملکرد شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد. همچنین چسبندگی هزینه‌ها در تأثیر مدیریت سود واقعی بر عملکرد شرکت‌ها نقش تعدیل‌گری مثبت دارد.

نعمتیان (۱۴۰۱)، به بررسی اثر تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه تمرکز مشتری و کیفیت گزارشگری مالی پرداخت. نتایج نشان داد که قیمت تمام شده کالاها و خدمات از اقلام اطلاعاتی بسیار مهم در تصمیم‌گیری مدیریت مالی بنگاه‌های اقتصادی است. قیمت تمام شده، معیار و سنجش تعیین‌کننده بسیاری از تصمیمات در کسب و کار است که با توجه به آن هدایت بنگاه اقتصادی برای تحقق اهداف در محیط متغیر امکان‌پذیر می‌گردد. مشتریان در عین توجه به کیفیت، به موضوع قیمت تمام شده کالاها و خدمات نیز توجه دارند. توجه به قیمت تمام شده در زمانی که درآمد مشتری در حد پذیرش کیفیت بالا نباشد قیمت را به عنوان فاکتور تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌دهد. در محیط رقابتی، تلاش بنگاه‌های اقتصادی، برای تامین رضایت مشتریان و نیاز آنها به تولید کالا و ارائه خدمات با هزینه کمتر معطوف است. این موضوع به استراتژی سازمانی تبدیل شده که عامل مهمی در بقای هر بنگاه اقتصادی است. از آنجا که قیمت تمام شده (هزینه) شامل منابعی است که توسط تولیدکنندگان و واحدهای پشتیبانی از جمله تامین‌کنندگان و تحویل‌دهندگان هزینه می‌شود.

^۱- Artificial

الماسی و همکاران (۱۴۰۱)، در تحقیقی به بررسی نقش تعدیل‌گری کیفیت گزارشگری مالی بر ارتباط بین توانایی مدیریت و مدیریت سود واقعی پرداختند. نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان داد که بین توانایی مدیریت و مدیریت سود واقعی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی ارتباط بین توانایی مدیریت و مدیریت سود واقعی را تقویت می‌کند.

نظری (۱۴۰۰)، در تحقیقی به بررسی تاثیر چسبندگی بر گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی پرداخت. نتایج نشان داد که چسبندگی بر گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

همچنین از جمله تحقیقات خارجی که نزدیک به عنوان تحقیق حاضر انجام شده می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

هارتلیب و لوی (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی: شواهدی از هموارسازی سود پرداختند. نتایج نشان داد که استراتژی‌های تعدیل منابع زیربنای رفتار هزینه‌ها نیز ممکن است بر انتخاب‌های گزارش‌دهی مالی بلندمدت تأثیر داشته باشند. به طور خاص، واکنش‌های نامتقارن هزینه‌ها به تغییرات فروش باید نوسانات سود را افزایش دهد و در نتیجه توانایی مدیران را برای گزارش جریان‌های درآمدی هموار محدود کند، که توسط نتایج تجربی آن‌ها پشتیبانی شد. بررسی‌های بیشتر نشان داد که چسبندگی هزینه در درجه اول هموارسازی درآمد فرصت طلب را محدود می‌کند و این رابطه به عوامل دیگری مانند سطح هزینه‌های تعدیل بستگی دارد.

ریستوتی^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی استراتژی و چسبندگی هزینه تحت توانایی‌های مختلف مدیریتی: شواهد از آسیای جنوب شرقی پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های آسیای جنوب شرقی چسبندگی هزینه را نشان می‌دهند. هم‌کاوشران و هم مدافعان چسبندگی هزینه را نشان می‌دهند، احتمالاً به این دلیل که شرکت‌های آسیای جنوب شرقی عمدتاً در تجارت کالاهای خام فعالیت می‌کنند و در فناوری بالا نوآوری زیادی ندارند. در نتیجه، جستجوگران رفتار هزینه متفاوتی نسبت به مدافعان از خود نشان نمی‌دهند. یافته‌های ما نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که توسط مدیران کم‌توان رهبری می‌شوند، چسبندگی هزینه‌های بیشتری را هم برای جستجوگران و هم برای مدافعان نشان می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های مدیریتی در مدیریت منابع حیاتی باقی می‌مانند، زیرا مدیران کمتر توانا تمایل دارند منابع را برای مقابله با مشکلات عملیاتی و برآورده کردن تقاضاهای فروش آتی حفظ کنند.

جین و وو^۲ (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای به بررسی عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و چسبندگی هزینه شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و چسبندگی هزینه شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، به صورت جزئی تر آن‌ها دریافتند که مدت زمان عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی نقش مهمی در چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها دارد. در نهایت آن‌ها نتیجه گرفتند که این رابطه تحت تاثیر متغیرهای مختلفی از جمله وابستگی به دولت و در صنایعی با قوانین سخت گیرانه تر وجود دارد.

چانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای به بررسی هموارسازی سود و حق الزحمه‌های حسابرسی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که بین هموارسازی سود و حق الزحمه‌های حسابرسی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

یی هونگ لین^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و کیفیت گزارشگری مالی بر اساس شواهدی از صورت‌های مالی تجدید ارائه شده در کانادا پرداختند. نتایج نشان داد که بین نمرات تجمعی مسئولیت اجتماعی و احتمال

¹ Restuti

² Jin & Wu

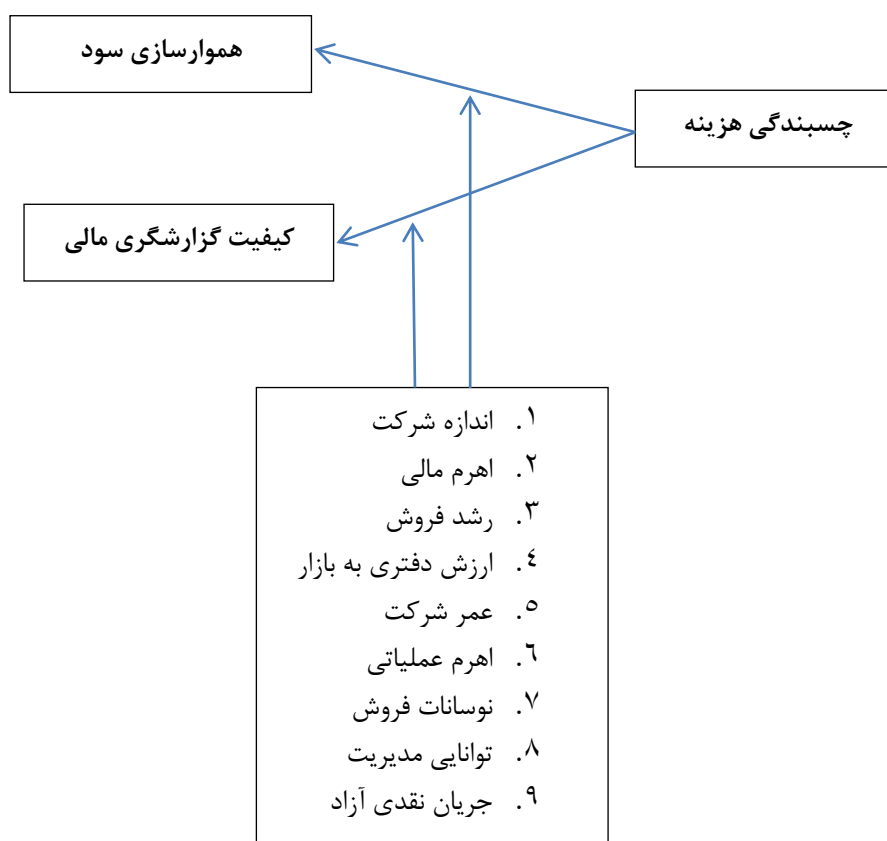
³ Chang

اینکه شرکت‌ها صورت‌های مالی خود را در بازه زمانی ۱۹۹۱-۲۰۱۲ تجدید تنظیم کرده اند، رابطه منفی یافتند. سپس آن دوره را به سه دوره فرعی تقسیم کردند تا مشخص شود آیا این رابطه برای هر سه دوره فرعی ادامه دارد یا خیر. در طی دوره‌های فرعی ۱۹۹۱-۲۰۰۱ و ۲۰۰۲-۲۰۰۵، رابطه احتمالی تجدید ارائه داده‌های مسئولیت پذیری اجتماعی وجود دارد. این رابطه منفی در دوره فرعی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ از بین می‌رود. تجزیه و تحلیل‌های دیگر نشان می‌دهد که نمرات مسئولیت اجتماعی شرکت در دوره فرعی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ به طور قابل توجهی بالاتر است، و نشان می‌دهد که از بین رفتن رابطه منفی بین مسئولیت پذیری اجتماعی و کیفیت صورت‌های مالی ممکن است به محیط مربوط باشد. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آنست که ادبیات مرتبط با کیفیت مسئولیت پذیری اجتماعی، کیفیت گزارش مالی را به روز می‌کند و نیاز به تحقیقات بیشتر را در مورد دلایل ناپدید شدن ارتباط بین این ساختارها مشخص می‌کند.

لذا با توجه به ادبیات پژوهش و تحقیق‌های صورت گرفته می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی تاثیر منفی و معناداری دارد.

۳- مدل و فرضیه‌های تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال «تاثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی: شواهدی از هموارسازی سود» می‌باشد، می‌توان مدل مفهومی و فرضیه‌های تحقیق حاضر را به صورت زیر ارائه نمود:



نمودار (۱) مدل مفهومی پژوهش برگرفته از مقاله بیس هارتلیب و لوی (۲۰۲۲)

با توجه به مدل مفهومی، مدل رگرسیونی تحقیق به صورت زیر می‌باشد:

مدل رگرسیونی فرضیه اول

$$ESMO_{it} = \beta_0 + \beta_1 STICKY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 GROW_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 OPLEV_{it} + \beta_9 SVOL_{it} + \beta_{10} ABILITY_{it} + \beta_{11} FCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل رگرسیونی فرضیه دوم

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 STICKY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 GROW_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 OPLEV_{it} + \beta_9 SVOL_{it} + \beta_{10} ABILITY_{it} + \beta_{11} FCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

با توجه به مدل های ذکر شده، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

H1: چسبندگی هزینه بر هموارسازی سود شرکت تاثیر دارد.

H2: چسبندگی هزینه بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت تاثیر دارد.

۴- روش شناسی تحقیق

۴-۱- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل یک تحقیق توصیفی-همبستگی می‌باشد که سعی پژوهشگر بر این است تا یک مسئله و پرسش واقعی که در عمل وجود دارد طی یک فرایند تحقیق پاسخ دهد و در ضمن هیچگونه تغییری بر روی متغیرهای مستقل انجام نشده است از این رو بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها طرح پژوهش جزو پژوهش‌های توصیفی-پس رویدادی طبقه بندی می‌شود.

۴-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه مطالعاتی تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰، که شرایط زیر را دارا نباشند:

۱. با توجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۴-۱۴۰۰)، شرکت قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۴۰۰ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد.
۲. به منظور افزایش توان هم‌سنجی و هم‌سان سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
۳. به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تامین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف می‌شوند.
۴. شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای محاسبه متغیرهای اولیه صورت‌های مالی ناقص بوده اند از نمونه حذف می‌شوند.
۵. شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر دهند.

جدول (۱): نمونه‌گیری به روش غربالگری

۶۶۷		تعداد شرکت هایی که تا سال ۱۴۰۰ در بورس حضور داشتند
	(۱۸۲)	تعداد شرکت های که بعد از سال ۱۳۹۴ از بورس حذف یا وارد فرابورس شدند
	(۱۴۲)	تعداد شرکت‌هایی که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ توقف معاملاتی بیشتر از شش ماه داشتند.
۳۴۳		تعداد شرکت های که بین سال های ۱۳۹۴-۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار فعال بوده اند.
	(۱۰۴)	تعداد شرکت هایی که عضو بخش مالی و خدماتی و بیمه و بانک ها و هلدینگ و... بوده اند
	(۸۶)	تعداد شرکت هایی که پایان سال مالی آن ها منتهی به ۱۲/۲۹ نبوده است
	(۳۱)	تعداد شرکت هایی که اطلاعات مورد نیاز آنها در بازه زمانی در دسترس نبوده یا ناقص بوده است
۱۲۲		تعداد شرکت هایی که اطلاعات آن ها کامل و در دسترس هستند.

۴-۳- ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت جمع آوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از منابع موجود و معتبر استفاده شده است. در این پژوهش داده‌های اولیه با استفاده از متن صورت های مالی، یادداشت های همراه آن ها، اطلاعات موجود در نرم‌افزار اطلاعاتی ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده است. و سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی- سازمان بورس اوراق بهادار و سایت کدال (وب سایت [www. codal. ir](http://www.codal.ir)) مراجعه شد. اطلاعات مربوط به مبانی نظری و تئوریک تحقیق، به صورت کتابخانه ای و با استفاده از کتب و مقالات فارسی و انگلیسی جمع آوری شده است. همچنین جهت آزمون فرضیه‌ها و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Excel جهت طبقه بندی و محاسبه متغیرها استفاده گردید و در نهایت اطلاعات حاصل با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews8 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها:

۵-۱- یافته‌های مربوط به آمار توصیفی متغیرها

جدول شماره ۲، آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در طی دوره مورد بررسی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تعداد ۱۲۲ شرکت در دوره زمانی ۷ ساله بین سال های ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، در ادامه خلاصه یافته‌های پژوهش در بخش آمار توصیفی آمده است:

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	BM	AGE	ABILITY	ESMO	FCF	FRQ	GROWTH	LEV	OPLEV	ROA	SIZE	SPEC	STICKY	SVOL
میلگین	2.93	39.88	0.52	0.10	0.12	4.73	0.27	****	*	***	***	0.57	-0.08	0.24
میانه	2.41	34.94	1.99	0.10	0.10	6.61	0.15	****	*	***	***	1.00	-0.06	0.20
انحراف معیار	1.93	33.29	0.50	0.11	0.13	3.49	1.56	****	*	***	***	0.50	0.07	0.19
چولگی	2.65	0.24	-0.08	0.67	0.59	-0.53	25.06	****	*	***	***	-0.28	-4.02	2.55
برآمدگی	14.06	1.53	1.01	14.57	4.75	1.46	690.63	****	*	***	***	1.08	35.79	12.71
آماره جاک برا	*****	84.73	142.00	*****	158.93	124.69	*****	****	*	***	***	***	*****	*****
معناداری	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	****	*	***	***	0.00	0.00	0.00

میانگین اصلی ترین و مورد استفاده ترین شاخص مرکزی است. مقدار میانگین دقیقاً در نقطه تعادل و مرکز ثقل داده ها قرار می گیرد. که برای متغیر اندازه شرکت معادل ۳۲.۱۴ است که میانگین بیشتر از سایر متغیرها می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی می باشد که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود میانه چسبندگی هزینه برابر با ۰۶.۰ - می باشد که نشان می دهد که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار و کمترین مقدار میانه را در بین سایر متغیرها دارد. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر چسبندگی هزینه واقعی برابر با ۰۷.۰ می باشد که کمترین پراکندگی را داراست. کاربرد آمار توصیفی متغیرها این است که یک دید کلی در مورد داده های مورد استفاده در پژوهش را به دست می دهد.

۲-۵- یافته های مربوط به آزمون مانایی متغیرها

به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (نوع فیشر) استفاده شده است. با توجه به خروجی مندرج در جدول شماره (۳)، سطوح معناداری تمامی آزمون های مذکور از خطای نوع اول ۰/۰۵ کوچک تر هستند و در نتیجه فرضیه صفر آماری آزمون مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و می توان پذیرفت که سری های مورد مطالعه در این سطح خطا مانا هستند و بنابراین، رفتار مقادیر متغیرها، در طول زمان دستخوش تغییرات رونددار نخواهد شد.

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیرها	آزمون	Levin, Lin & Chu t*	ADF - Fisher Chi-square
ESMO	آماره t	-36.1406	515.504
	احتمال	0	0
ABILITY	آماره t	-26.1189	217.625
	احتمال	0	0
BM	آماره t	-38.7846	550.685
	احتمال	0	0
AGE	آماره t	-139.34	538.948
	احتمال	0	0
FCF	آماره t	-43.1209	602.449
	احتمال	0	0
FRQ	آماره t	-72.548	501.971
	احتمال	0	0
GROWTH	آماره t	-38.2112	534.485
	احتمال	0	0
OPLEV	آماره t	-34.7527	460.758
	احتمال	0	0
ROA	آماره t	-51.2626	463.896
	احتمال	0	0

متغیرها	آزمون	Levin, Lin & Chu t*	ADF - Fisher Chi-square
SIZE	آماره t	-81.356	584.186
	احتمال	0	0
SPEC	آماره t	-13.6784	605.501
	احتمال	0	0
STICKY	آماره t	-39.8813	583.16
	احتمال	0	0
SVOL	آماره t	-280.0468	453.505
	احتمال	0	0
LEV	آماره t	-49.2746	468.683
	احتمال	0	0

۳-۵- یافته های مربوط به ضریب همبستگی

ضریب همبستگی به منظور تعیین میزان رابطه، نوع و جهت رابطه ی بین دو متغیر فاصله ای یا نسبی و یا یک متغیر فاصله ای و یک متغیر نسبی به کار برده می شود. در واقع این ضریب، متناظر پارامتری ضریب همبستگی اسپیرمن می باشد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول (۴) ارائه شده اند. همان گونه که مشاهده می شود در برخی موارد همبستگی معنی داری وجود دارد. هم چنین، در برخی موارد اندک بین متغیرهای زوجی همبستگی معنی داری قابل مشاهده است؛ اما این همبستگی ها قوی نیستند و ایجاد هم خطی نمی کنند. به عبارت بهتر در ادامه تحلیل ها از نظر بررسی روابط بین متغیرها مشکل محتوایی وجود ندارد؛ زیرا اگر همبستگی قوی بین متغیرهای توضیحی مدل وجود داشته باشد، منجر به بروز هم خطی شده و بررسی روابط در چنین حالتی نادرست خواهد بود.

جدول (۴): آزمون همبستگی متغیرها

متغیرها	BM	AGE	ABILITY	ESMO	FCF	FRQ	GROWTH	LEV	OPELV	ROA	SIZE	SPEC	STICKY	SVOL
BM	1.00													
AGE	0.03	1.00												
ABILITY	0.00	-0.02	1.00											
ESMO	-0.22	0.21	0.03	1.00										
FCF	0.06	0.09	0.13	0.32	1.00									
FRQ	0.00	-0.08	0.11	0.04	****	1.00								
GROWTH	0.04	0.03	-0.05	0.06	0.00	0.03	1.00							
LEV	0.22	0.11	0.00	-0.29	****	0.08	0.02	1.00						
OPELV	-0.10	0.01	-0.11	-0.05	****	-0.08	0.00	-0.10	1.00					
ROA	0.06	0.15	0.03	0.70	0.51	0.00	0.06	-0.52	-0.08	1.00				
SIZE	-0.21	0.35	-0.11	0.31	0.18	-0.19	0.11	0.04	0.02	0.24	***			
SPEC	0.12	0.04	0.11	0.05	0.06	0.10	-0.04	0.25	-0.14	0.05	***	1.00		
STICKY	0.10	0.01	0.04	-0.06	0.07	-0.08	0.03	-0.06	-0.03	0.10	***	***	1.00	
SVOL	0.06	-0.10	-0.19	-0.09	****	0.00	0.17	-0.11	0.01	-0.08	***	***	***	1.00

با توجه به نتایج به دست آمده برای سطوح معناداری و ضرایب همبستگی، می توان مشاهده کرد که بسیاری از متغیرها دارای همبستگی معناداری نمی باشند و یا در صورتی که دارای همبستگی هستند، ضریب به دست آمده چندان قوی نمی باشد که نشان از عدم وجود همخطی بین متغیرهای پژوهش دارد.

آزمون تشخیص مدل

برای آزمون فرضیه از آماره چاو استفاده می شود. نتایج این آزمون در جدول ذیل خلاصه شده است. در صورتی که مقدار P-Value کمتر از ۵ درصد باشد از روش پانل برای برآورد استفاده می شود. جهت محاسبه کیفیت گزارشگری مالی (FRQ) یکی از مدل های معروف برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) می باشد که از سوی کوتاری (۲۰۰۵) ارایه شده است. این مدل به صورت زیر تعریف می شود:

(۱)

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{i,t-1}} = \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{TA_{i,t-1}} + \beta_4 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه اول پژوهش

(۲)

$$ESMO_{it} = \beta_0 + \beta_1 STICKY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 GROW_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 OPLEV_{it} + \beta_9 SVOL_{it} + \beta_{10} ABILITY_{it} + \beta_{11} FCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه دوم پژوهش

(۲)

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 STICKY_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 GROW_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 OPLEV_{it} + \beta_9 SVOL_{it} + \beta_{10} ABILITY_{it} + \beta_{11} FCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

آزمون اف لیمر

جدول (۵): آزمون تشخیص مدل (آزمون اثرات ثابت)

شماره مدل	آماره F لیمر (چاو)	خطا	نتیجه گیری	مدل مورد استفاده
کیفیت گزارشگری مالی	8.494244	۰	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	پانل
مدل اول	1.532485	۰۰۰۶	عرض از مبداها با هم برابر هستند	پانل
مدل دوم	5.540637	۰	عرض از مبداها با هم برابر هستند	پانل

همانطور که مشاهده می شود با توجه به اینکه در هر سه مدل تحقیق فوق مقادیر P-Value کمتر از ۵ درصد می باشد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبداها رد شده است و برای آزمون فرضیات می بایست از روش پانل استفاده شود لیکن با توجه به اینکه می بایست از مدل پانل استفاده کرد نیاز به آزمون هاسمن که آزمون اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی می باشد.

آزمون هاسمن

برای آزمون این که مدل پژوهش با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد گردد، نتایج آزمون هاسمن در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن

مدل رگرسیونی	آماره خی دو	خطا	نتیجه آزمون	
			پانل با اثرات ثابت	تایید فرض یک
کیفیت گزارشگری مالی	6.995370	030.0	پانل با اثرات ثابت	تایید فرض یک
مدل اول	18.198163	0.07	پانل با اثرات ثابت	تایید فرض یک
مدل دوم	12.886779	0.3008	پانل با اثرات تصادفی	تایید فرض یک

همان‌طور که در جدول آزمون هاسمن مشاهده می‌نمایید نتایج آزمون به‌خوبی نشان می‌دهد که فرضیه صفر برای مدل کیفیت گزارشگری مالی و اول تحقیق رد شده است؛ پس نتیجه می‌گیریم برای برآورد این دو مدل از پانل با اثرات ثابت مناسب می‌باشد. اما برای مدل دوم فرضیه صفر تایید شده است و در نتیجه برای برآورد مدل دوم تحقیق استفاده از مدل پانل با اثرات تصادفی مناسب می‌باشد.

برآورد مدل‌های رگرسیون

جدول (۷): برآورد مدل کیفیت گزارشگری مالی

متغیرها	ضرائب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
مستقل $(1/TA_{i,t-1})$	-1643.5	4768.8	-0.3446	0.7304
مستقل $(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/TA_{i,t-1}$	0.0619	0.0153	4.0342	0.0001
مستقل $PPE_{it}/TA_{i,t-1}$	-0.0091	0.0157	-0.5774	0.5638
مستقل $ROA_{i,t-1}$	0.0696	۰.۰۱۴۸	۴.۶۸۶۲	0
ضریب تعیین	0.4671	میانگین متغیر وابسته		0.1335
ضریب تعیین تعدیل شده	0.377	انحراف استاندارد متغیر وابسته		0.1676
خطای استاندارد رگرسیون	0.1323	مجوز باقی مانده		18.438
آزمون F	5.1843	آماره دوربین واتسون		2.0886
خطای معناداری آزمون F				0.00

از طریق EViews معناداری رگرسیون مدل اول با استفاده از روش پانل با اثرات ثابت آزمون شد که نتایج آن در جدول ۷ به همراه ضرایب، آماره t و سطح معناداری مربوط به آن، ضریب تعیین و ضریب تعیین استاندارد شده، آماره F و سطح معناداری مربوط به آن و نتیجه آزمون دوربین واتسون ارائه شده است. برای قضاوت در مورد فرضیه‌ها و وجود مدل معنادار باید به مقدار آماره F یا سطح معناداری آن توجه نمود. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F برای مدل تحقیق برابر است با

۵. ۱۸ که در ناحیه رد فرضیه صفر قرار دارد. همچنین بر مبنای سطح معناداری نیز می‌توان این نتیجه را دریافت. از آنجا که سطح معناداری این آماره‌ها کمتر از ۵٪ است فرضیه صفر یعنی عدم وجود مدل معناداری رد می‌شود و فرضیه یک یعنی وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. میزان ضریب تعیین اصلاح‌شده نیز در جدول ارائه گردید که نشان می‌دهد چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شوند. یکی از آزمون‌های کفایت و درستی مدل بررسی عدم وجود خود همبستگی بین باقی مانده‌های مدل است. خود همبستگی سبب می‌شود مقادیر t در مدل بیش از حد بزرگ گردد و در نتیجه ضرایب به اشتباه معنی دار شده که سبب تفسیر نادرست ضرایب و احتمال رخ دادن خطای نوع دوم می‌گردد. برای بررسی وجود عدم خود همبستگی از مقادیر آزمون دوربین-واتسون استفاده می‌شود که می‌بایست بین ۰.۱ تا ۵.۲ باشد. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۰.۲۸ می‌باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده‌های مدل است.

جدول (۸): خلاصه نتایج فرضیه اول تحقیق

متغیرها	ضرائب	انحراف معیار	آماره t	معناداری	
مستقل	STICKY	-4.93	0.85	-5.82	0
کنترلی	SIZE	-0.45	0.05	-8.49	0
کنترلی	LEV	2.16	0.85	2.54	0.01
کنترلی	GROWTH	0.05	0.04	1.25	0.21
کنترلی	BM	-0.07	0.04	-1.74	0.08
کنترلی	ROA	4.77	1.4	3.41	0
کنترلی	AGE	0	0	-0.47	0.64
کنترلی	OPLEV	-0.23	0.31	-0.75	0.45
کنترلی	SVOL	0.36	0.53	0.67	0.5
کنترلی	ABILITY	0.53	0.17	3.03	0
کنترلی	FCF	-0.08	0.89	-0.09	0.93
عرض از مبدا		9.5	1.28	7.4	0
ضریب تعیین		-0.06	میانگین متغیر وابسته		1.99
ضریب تعیین تعدیل شده		0.05	انحراف استاندارد متغیر وابسته		2.68
خطای استاندارد رگرسیون		2.61	مجوز باقی مانده		6539.23
آزمون F		5.2	آماره دوربین واتسون		1.18
خطای معناداری آزمون F					0.00

از طریق EViews معناداری رگرسیون مدل اول با استفاده از روش پانل با اثرات تصادفی (GLS) آزمون شد که نتایج آن در جدول ۸ به همراه ضرایب، آماره t و سطح معناداری مربوط به آن، ضریب تعیین و ضریب تعیین استاندارد شده، آماره F و سطح معناداری مربوط به آن و نتیجه آزمون دوربین واتسون ارائه شده است. برای قضاوت در مورد فرضیه‌ها و وجود مدل معنادار باید به مقدار آماره F یا سطح معناداری آن توجه نمود. نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F برای مدل تحقیق

برابر است با ۰.۵ که در ناحیه رد فرضیه صفر قرار دارد. همچنین بر مبنای سطح معناداری نیز می‌توان این نتیجه را دریافت. از آنجاکه سطح معناداری این آماره‌ها کمتر از ۰.۵٪ است فرضیه صفر یعنی عدم وجود مدل معناداری رد می‌شود و فرضیه یک یعنی وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. میزان ضریب تعیین اصلاح‌شده نیز در جدول ارائه گردید که نشان می‌دهد چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شوند. اما به علت اینکه مدل با روش GLS آزمون شده که یک روش اصلاحی است ضریب تعیین قابل تفسیر نمی‌باشد.

یکی از آزمون‌های کیفیت و درستی مدل بررسی عدم وجود خود همبستگی بین باقی مانده‌های مدل است. خود همبستگی سبب می‌شود مقادیر t در مدل بیش از حد بزرگ گردد و در نتیجه ضرایب به اشتباه معنی دار شده که سبب تفسیر نادرست ضرایب و احتمال رخ دادن خطای نوع دوم می‌گردد. برای بررسی وجود عدم خود همبستگی از مقادیر آزمون دوربین-واتسون استفاده می‌شود که می‌بایست بین ۰.۱ تا ۰.۲ باشد. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۰.۱۸۱ می‌باشد که مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم وجود خود همبستگی بین باقی مانده‌های مدل است.

✓ نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که چسبندگی هزینه در مدل منفی می‌باشد بدین معنی که بین متغیر چسبندگی هزینه و هموارسازی سود هم‌زمان اثر معکوس وجود دارد. با افزایش چسبندگی هزینه، مقادیر هموارسازی سود کاهش می‌یابد و بالعکس. این ارتباط قوی است که از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد زیرا اولاً مقدار قدر مطلق آماره t به دست آمده معادل ۵.۸۲، این متغیر بزرگ‌تر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{0.05} = 1.96$) بوده و همچنین محاسبه شده متناظر آن نیز در این متغیر کمتر از ۰.۰۵ درصد است. لذا این ادعا که بین هموارسازی سود و چسبندگی هزینه ارتباط منفی وجود دارد از لحاظ آماری تأیید می‌شود. تاثیر متغیر چسبندگی هزینه بر هموارسازی سود معادل ۴.۹۳- است.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی اندازه شرکت بر هموارسازی سود منفی می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد اندازه شرکت بر هموارسازی سود تأثیر معناداری دارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی اهرم مالی شرکت بر هموارسازی سود مثبت می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد اهرم مالی بر هموارسازی سود، می‌توان ادعا کرد که اهرم مالی بر هموارسازی سود تأثیر معناداری دارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر سودآوری شرکت بر هموارسازی سود مثبت می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد سودآوری بر هموارسازی سود، تاثیر مثبت این متغیر بر هموارسازی سود تأیید می‌شود.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی رشد فروش شرکت بر هموارسازی سود مثبت می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد رشد فروش بر هموارسازی سود، می‌توان ادعا کرد که رشد فروش بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی عمر شرکت بر هموارسازی سود مثبت می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد عمر بر هموارسازی سود، می‌توان ادعا کرد که عمر شرکت بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر اهرم عملیاتی شرکت بر هموارسازی سود منفی می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد اهرم عملیاتی بر هموارسازی سود، می‌توان ادعا کرد که اهرم عملیاتی بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر ارزش دفتری به بازار شرکت بر هموارسازی سود منفی می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد ارزش دفتری به بازار بر هموارسازی سود، می‌توان ادعا کرد که ارزش دفتری به بازار بر هموارسازی سود در سطح ۵ درصد تأثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر نوسانات فروش شرکت بر هموارسازی سود مثبت می‌باشد با توجه به خطای سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد نوسانات فروش شرکت بر هموارسازی سود، می‌توان ادعا کرد که نوسانات فروش شرکت بر هموارسازی سود تأثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر جریان نقدی آزاد شرکت بر هموارسازی سود منفی می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد جریان نقدی آزاد بر هموارسازی سود، می توان ادعا کرد که جریان نقدی آزاد شرکت بر هموارسازی سود تاثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر توانایی مدیریت شرکت بر هموارسازی سود می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد توانایی مدیریت بر هموارسازی سود، می توان ادعا کرد که توانایی مدیریت بر هموارسازی سود تاثیر معناداری دارد.

جدول (۹): برآورد فرضیه دوم تحقیق

متغیرها		ضرائب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
مستقل	STICKY	0.18	0.03	5.38	0
کنترلی	SIZE	0	0	1.33	0.18
کنترلی	LEV	0.12	0.02	5.33	0
کنترلی	GROWTH	0	0	0.6	0.55
کنترلی	BM	-0.02	0	-11.53	0
کنترلی	ROA	0.7	0.03	23.27	0
کنترلی	AGE	0	0	0.2	0.74
کنترلی	OPLEV	-0.02	0.01	-2.18	0.03
کنترلی	SVOL	0.01	0.02	0.74	0.46
کنترلی	ABILITY	0	0.01	0.18	0.86
کنترلی	FCF	-0.03	0.02	-1.48	0.14
عرض از مبدا		-0.01	0.04	-0.3	0.77
ضریب تعیین		0.7	میانگین متغیر وابسته		0.1
ضریب تعیین تعدیل شده		0.64	انحراف استاندارد متغیر وابسته		0.11
خطای استاندارد رگرسیون		0.06	مجوز باقی مانده		2.93
آزمون F		12.51	آماره دوربین واتسون		1.91
خطای معناداری آزمون F					0.00

از طریق EViews معناداری رگرسیون مدل اول با استفاده از روش پانل با اثرات تصادفی (GLS) آزمون شد که نتایج آن در جدول ۹ به همراه ضرایب، آماره t و سطح معناداری مربوط به آن، ضریب تعیین و ضریب تعیین استاندارد شده، آماره F و سطح معناداری مربوط به آن و نتیجه آزمون دوربین واتسون ارائه شده است. برای قضاوت در مورد فرضیه ها و وجود مدل معنادار باید به مقدار آماره F یا سطح معناداری آن توجه نمود. نتایج آزمون نشان می دهد که مقدار آماره F برای مدل تحقیق برابر است با ۱۲.۵۱ که در ناحیه رد فرضیه صفر قرار دارد. همچنین بر مبنای سطح معناداری نیز می توان این نتیجه را دریافت. از آنجا که سطح معناداری این آماره ها کمتر از ۵٪ است فرضیه صفر یعنی عدم وجود مدل معناداری رد می شود و فرضیه یک یعنی وجود رابطه معنادار تائید می شود. میزان ضریب تعیین اصلاح شده نیز در جدول ارائه گردید که نشان می دهد چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شوند. یکی از آزمون های کفایت و درستی مدل بررسی عدم وجود خود همبستگی بین باقی مانده های مدل است. خود همبستگی سبب می شود مقادیر در مدل بیش از حد

بزرگ گردد و در نتیجه ضرایب به اشتباه معنی دار شده که سبب تفسیر نادرست ضرایب و احتمال رخ دادن خطای نوع دوم می گردد. برای بررسی وجود عدم خود همبستگی از مقادیر آزمون دوربین- واتسون استفاده می شود که می بایست بین ۰.۱ تا ۰.۲ باشد. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۰.۱۹۱ می باشد که مقادیر نزدیک به ۰.۲ حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است.

✓ نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که چسبندگی هزینه در مدل مثبت می باشد بدین معنی که بین متغیر چسبندگی هزینه و کیفیت گزارشگری مالی همزمان اثر مستقیم وجود دارد. با افزایش چسبندگی هزینه، مقادیر کیفیت گزارشگری مالی افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط قوی است که از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد زیرا اولاً مقدار قدر مطلق آماره t به دست آمده $t > t_{\alpha/2}$ می باشد، این متغیر بزرگ تر از مقدار متناظر آن در جدول $(\alpha=0.05, df=975)$ بوده و همچنین محاسبه شده متناظر آن نیز در این متغیر کمتر از 0.05 درصد است. لذا این ادعا که بین کیفیت گزارشگری مالی و چسبندگی هزینه ارتباط مثبت وجود دارد از لحاظ آماری تأیید می شود. ضریب به دست آمده نشان می دهد که میزان تاثیر چسبندگی هزینه بر گزارشگری مالی معادل 0.0000 است.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بیشتر از ۵ درصد اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی اهرم مالی شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر سودآوری شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری کمتر از ۵ سودآوری بر کیفیت گزارشگری مالی، تاثیر مثبت این متغیر بر کیفیت گزارشگری مالی تایید می شود.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی رشد فروش شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد رشد فروش بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که رشد فروش بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر کنترلی عمر شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد عمر بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که عمر شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر اهرم عملیاتی شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی منفی می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد اهرم عملیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که اهرم عملیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر ارزش دفتری به بازار شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی منفی می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد ارزش دفتری به بازار بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که ارزش دفتری به بازار بر کیفیت گزارشگری مالی در سطح ۵ درصد تاثیر معناداری دارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر نوسانات فروش شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد نوسانات فروش شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که نوسانات فروش شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر جریان نقدی آزاد شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی منفی می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد جریان نقدی آزاد بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که جریان نقدی آزاد شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری ندارد.

✓ تاثیر ضریب متغیر توانایی مدیریت شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی مثبت می باشد با توجه به خطای سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی، می توان ادعا کرد که توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری ندارد.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات تحقیق

۶-۱- نتایج مربوط به فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: چسبندگی هزینه بر هموارسازی سود شرکت تاثیر دارد.

در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود پرداخته شد که با توجه به سطح معناداری اندازه اثر متغیر مستقل فشار کاری حسابرس (جدول ۸) که کوچک تر از خطای ۰/۰۵ به دست آمده می توان نتیجه گرفت بین چسبندگی هزینه و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد. بیشتر اینکه ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل چسبندگی هزینه منفی است که نشان می دهد با چسبندگی هزینه هموارسازی سود کاهش خواهند داشت. چسبندگی هزینه ها که در دوره های کاهش فروش مشاهده می شود، موجب کاهش سود یک دوره می شود اما وقوع چسبندگی هزینه ها نشان می دهد، مدیران تأکید بیشتری بر سودهای بلندمدت دارند لذا شناسایی سود را به تعویق می اندازند (مطابق با نتیجه فرضیه فوق) تحمل هزینه منابع اضافی در دوره های کاهش فروش که به منظور آمادگی برای افزایش فروش در آینده انجام می شود، موجب تحمل بار هزینه ای کمتری در بلندمدت شده و این توانایی را به شرکت می دهد تا فرصتهای افزایش فروش در آینده را از دست ندهد اما لازمی حفظ منابع برای دستیابی به سودهای بیشتر در آینده، آن است که مدیران کاهش تقاضا را موقتی پیش بینی کرده و انتظار افزایش فروش آتی را داشته باشند. مدیران جهت رسیدن به اهداف خود (دستیابی به پاداش بیشتر) با هموارسازی سود باعث تاثیرگذاری در بازده حقوق صاحبان سهام شوند؛ معمولا مدیران برای انجام هموارسازی سود انگیزه ها و اهدافی دارند که یکی از این انگیزه ها افزایش ارزش سهام شرکت در بورس اوراق بهادار و در نتیجه افزایش ارزش شرکت می باشد. و با توجه به اینکه سرمایه گذاران در بازار سهام همواره در صدد کسب سود بالا هستند. آنها سهامی را خریداری می کنند که از نظر آنها بهترین سهام باشد و بیشترین سود و بازده به آنها تعلق گیرد و در نتیجه اقدام به خریداری و نگهداری آن سهام می نمایند.

فرضیه دوم: چسبندگی هزینه بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت تاثیر دارد.

در فرضیه دوم پژوهش به بررسی تاثیر چسبندگی هزینه بر کیفیت گزارشگری مالی (جدول ۹) که کمتر از خطای ۰/۰۵ به دست آمده می توان نتیجه گرفت چسبندگی هزینه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد. یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده گزارشگری مالی، حسابرسان می باشند، بر این اساس سعی در ارزیابی دقیق اطلاعات هستند و این موضوع موجب ارائه اطلاعات دقیق توسط مدیران خواهد شد و ممکن است موجب کاهش انگیزه فرصت طلبانه مدیران شود، که این موضوع موجب افزایش دقت مدیران در تصمیم گیری و گزارش های ارائه شده آنها خواهد شد، در نتیجه مدیران سعی می نمایند که تصمیمات بهینه در خصوص هزینه ها و تغییرات متناسب آن با سطح فروش اتخاذ نمایند، که این موجب کاهش چسبندگی هزینه ها خواهد شد. به عنوان مثال حسابرسان برای دستیابی به این هدف، مبالغ و روشهای استهلاک مورد استفاده را رسیدگی می کنند چرا که پذیرش روش های مورد استفاده برای برآورد استهلاک و یکنواختی کاربرد روش های برآورد و همچنین درستی و دقت محاسبات لازم تحت هر روش اهمیت زیادی دارد و این موضوع میتواند، هزینه ها،

درآمدها و حتی مالیات پرداختی را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس حسابرسان با برنامه حسابرسی استهلاک سعی می‌نمایند تصویر روشن‌تری از هزینه‌های واقعی استهلاک ارائه دهد، که این موضوع موجب کاهش رفتار نامتقارن هزینه‌ها و به تبع آن کاهش چسبندگی هزینه‌ها خواهد شد.

۲-۶- پیشنهادات تحقیق

نتایج این پژوهش قابل استفاده برای سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و تحلیل‌گران و تمام افراد و سازمان‌هایی است که به نوعی با فعالیت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار درگیر هستند مفید باشد. بنابراین پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

➤ به قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان سیاست‌های مالی توصیه می‌شود تا با حمایت بازارهای مالی و همچنین بازار سرمایه از بروز اختلال و نوسان در آن جلوگیری نمایند و قوانین را در جهت افزایش شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه وضع نمایند زیرا افزایش شفافیت اطلاعاتی در محیط بازار سرمایه سبب بهبود کارایی بازار می‌شود و با توجه به فرضیات بازار کارا، افزایش کارایی بازار در بلندمدت باعث می‌شود سرمایه‌گذاران در بازار آسیب‌نبینند، در نتیجه، ریسک سرمایه‌گذاری در بلندمدت کاهش یابد.

➤ با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و چسبندگی هزینه‌ها، به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌شود برای افزایش کیفیت گزارشات و بهبود اطلاعات در دسترس استفاده‌کنندگان، تأثیرات چسبندگی هزینه‌ها را شناسایی و کنترل کنند. آنان می‌توانند از طریق انعقاد قراردادهای مناسب برای اجاره‌داری‌های عملیاتی و استخدام کارکنان (به عنوان مثال، انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت) میزان تعدیلات لازم برای کاهش سطح داری‌های عملیاتی خود در دوره‌های کاهش تقاضا و سطح فروش را کمتر کنند و شدت چسبندگی هزینه‌ها را کاهش دهند.

➤ پیشنهاد می‌شود حسابرسان و مؤسسات حسابرسی، میزان هزینه‌های ارائه‌شده را با در نظر گرفتن میزان چسبندگی هزینه‌ها و همچنین نحوه تغییر هزینه‌ها با آهنگ تغییر فروش و درآمد فروش نسبت به کشف هرگونه خطا یا تقلب در ارائه صورت‌های مالی اقدام کنند تا از این طریق کیفیت حسابرسی بیشتر شود.

➤ با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین رفتار چسبندگی هزینه‌ها و کیفیت گزارشگری مالی، به فعالان بازارهای سرمایه پیشنهاد می‌شود برای اطلاع از کیفیت حسابرسی شرکت‌های مورد نظر، به نحوه تغییر هزینه‌ها با آهنگ تغییر فروش توجه ویژه‌ای داشته باشند.

➤ با توجه به نتیجه پژوهش که حاکی از اثرپذیری و اثرگذاری رفتار چسبندگی هزینه نسبت به هموارسازی سود است به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود رابطه منطقی بین منابع بنگاه و سودهای گزارش شده برقرار کرده و با توجه به آن منابع را تعدیل کرده که مانع افزایش نوسان سود و کاهش ارزش شرکت گردد، همچنین در پیش‌بینی سودهای آتی و تحقق آن رفتار هزینه‌ها را در نظر بگیرند تا در صورت کاهش فروش، سودهای پیش‌بینی شده با کمترین تورش تحقق یابد. علاوه بر این مدیران می‌توانند با استفاده از منابعی با ساختار انعطاف‌پذیر و مناسب کارایی را افزایش و هزینه‌های تعدیل منابع را به حداقل کاهش دهند.

منابع و مآخذ:

۱. اسکندری، جمشید. (۱۳۹۶). "حسابداری صنعتی ۸". تهران: انتشارات حقیق.
۲. بخشی نژاد، محمود و کریمی، الهام. (۱۴۰۱). "نقش تعدیل‌گری چسبندگی هزینه‌ها در تاثیر مدیریت سود واقعی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". ششمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، تهران.
۳. شیروازن، هانی و فاضل دهکردی، عاطفه. (۱۴۰۰). "مروری بر عوامل فزاینده و کاهنده چسبندگی هزینه". هشتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی.
۴. طالبی اتویی، زهرا. (۱۴۰۱). "تاثیر جریان‌ات نقدینگی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران". سومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، چابهار.
۵. قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد، روزخوش، مرضیه و نجاری، عطیمه. (۱۴۰۱). "بررسی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه". فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره: ۵، شماره: ۵۸، صص ۱-۱۳.
۶. گرامی، امنه؛ صفری، رویا، کیخایی، نازنین و رمضانیان، خدیجه. (۱۴۰۱). "هموارسازی سود و مدیریت سود". فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۵، شماره: ۶۶.
۷. الماسی، بهزاد و عباسعلی خمه، وحید. (۱۴۰۱). "نقش تعدیل‌گری کیفیت گزارشگری مالی بر ارتباط بین توانایی مدیریت و مدیریت سود واقعی". اولین کنفرانس ملی کاربرد دانش و اصول حسابداری در کارآفرینی و کسب و کارها، صص ۱-۱۱.
۸. خدانشناس، مهدی و خدانشناس، مهدی. (۱۴۰۰). "بررسی تاثیر هموارسازی سود بر کیفیت افشاجری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۳۵.
۹. مهرآذین، علیرضا. (۱۳۹۵). "ارزیابی مدل‌های مبتنی بر ارقام تعهدی در کشف مدیریت سود". رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۰. نخعی، کریم و پیراسته، امین. (۱۴۰۰). "مروری بر مفاهیم و ادبیات چسبندگی هزینه". سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، علوم انسانی و رفتاری در ایران و جهان اسلام، تهران.
۱۱. نظری، ایوب. (۱۴۰۰). "بررسی تاثیر چسبندگی بر گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی". ششمین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در مدیریت، حسابداری و اقتصاد در ایران، صص ۱-۱۷.
۱۲. نعمت‌الهی، معصومه. (۱۳۹۹). "رفتار و ساختار هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های مالی در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه دانش حسابرسی، شماره ۲۲، صص ۱۶ تا ۲۹.
۱۳. نعمتیان، محسن. (۱۴۰۱). "مطالعه اثر تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه تمرکز مشتری و کیفیت گزارشگری مالی". دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی.
۱۴. نمازی، محمد و دوانی پور، ایرج. (۱۳۹۹). "بررسی تجربی رفتار چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۱۷ (۶۲): ۸۵-۱۰۲.
۱۵. نورش، ایرج؛ سپاسی، سحر و نیکبخت، محمدرضا. (۱۳۹۴). "بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران". مجله علمی - پژوهشی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲، صص ۱۷۷-۱۶۵.
16. Anderson, MC. Banker, R. Huang, R. Janakiram, S. (2019). "Cost Behavior and Fundamental Analysis of SG&A Costs". Journal of Accounting, Auditing & Finance, 22 (1): 1- 28.
17. Balakrishnan R, Gruca T. (2018). "Cost Stickiness and Core Competency: Note". Working Paper, The University of Iowa.
18. Bares, G. , Hilary, G. , Verdi, R. S. (2017). "How Does Financial Reporting Quality Relate to Investments Efficiency?", Journal of Accounting and Economics, Vol. 48, PP. 112-131.

19. Chang, H. , Ho, L. J. , Liu, Z. , & Ouyang, B. (2021). “ Income smoothing and audit fees”. *Advances in accounting*, 54, 100547.
20. Costa Mabel D. , Ahsan Habib. (2020). “ Trade credit and cost stickiness”. *Accounting & Finance*, doi: 10. 1111/acfi. 12606.
21. Francis,J. ,Wang,K. (2017). “Earnings Quality,Foundation and Trends in accounting”.
22. Garrison. R&E. Noreen,. (2019). “ Managerial Accounting ". 10 edition New York”. NY McGrawhill / Irein
23. Habib A. and Hasan, M. M. (2019). “Social capital and trade credit”. *International Review of Financial Analysis* 61, 158–174.
24. Hartlieb Sven, Thomas R. Loy (2022). “ The impact of cost stickiness on financial reporting: evidence from income smoothing”. *Accounting & Finance*, doi: 10. 1111/acfi. 12910.
25. Jian, J. H. , Hu, D. , Tian, H. , Long, C. , & Yang, F. (2023). “Political uncertainty, officials’ characteristics heterogeneity and firm cost stickiness”. *Economic Analysis and Policy*, 78, 776-791.
26. Jin and Wu, V. (2021). “ Investigating the uncertainty of economic policies and company cost stickiness”. Working paper, available at: <http://ssrn.com/abstract=2672765>.
27. Reid, L. C. , Carcello, J. V. , Li, C. , Neal, T. L. , & Francis, J. R. (2019). “ Impact of auditor report changes on financial reporting quality and audit costs: Evidence from the United Kingdom”. *Contemporary Accounting Research*, 36 (3) , 1501-1539.
28. Restuti, M. D. , Gani, L. , Shauki, E. R. , & Leo, L. (2022). “ Strategy and cost stickiness under different managerial abilities: Evidence from Southeast Asia”. *Cogent Business & Management*, 9 (1) , 2152530.
29. Yi Hong Lin& et al. (2020). “Investigating the social responsibility of companies and the quality of financial reporting based on evidence from the restated financial statements”. *Journal of Finance*, 52, 4449- 476.
30. Yusran, I. N. (2023). “Determinants of the quality of financial reports”. *International Journal of Professional Business Review: Int. J. Prof. Bus. Rev.* , 8 (3) , 11.